

آخرین تحلیل از جنگ ایران و رژیم صهیونیستی

آخرین تحلیل از جنگ ایران و رژیم صهیونیستی پرستو مروجی در حال حاضر زمان رویارویی مردم جهان با واقعیتی است که سالهاست غربی‌ها سعی در سانسور کردن آن را در فضای سایبری دارند اولین مسئله دقیقا همین نکته است *تغییر باورهای غلط به سمت باورهای درست*

این جنگ را ما شروع نکردیم هر چند از نظر حقیر ایران وارد جنگ اصلی و استراتژیک نشده جنگ واقعی زمانی شروع میشه که *تنگه هرمز * بسته بشه یعنی عملا ۲۰ درصد عرضه نفت جهان متوقف خواهد شد و عواقبش برای غرب بسیار سنگین تر از جنگ تمام عیار چندین میلیون دلاری است.

آنها وابسته نفتی یند و در طی این عمل استراتژیک، یک زنجیره بزرگ تهدید خواهد شد... و آن زنجیره‌ی حیات انسانی است.

در صورت ادامه جنگ و حمایت های ایالات متحده دولت ترامپ دچار ورشکستگی نظامی خواهد شد در این شرایط هست که متوجه میشویم چرا دولت مزبور زبون کوچیک رو درآورده و دستش را به خواب قالی میکشد و در آخر عرض کنم بزرگترین خطأ این هست که جنگ را به خلیج همیشه فارس بکشانند در اون صورت هم از دریا خواهند خورد و هم از هوا تاریخ ثابت کرده که آمریکا هم پیمان خوبی نیست یعنی رفیق روزای تنگ نیست شک نکنید اگر منافعش تامین نشود جوری رژیم صهیونیستی را میفروشد و جوری ماله کشی میکند که خودش را حامی کودکان غزه معرفی میکند طوری که تاریخ را مثلا بتواند به نفع خودشان شرمنده کنند مثل سرنوشت صدام و ...

مهمنترین پایگاه هوابی اسرائیل

کجاست؟ اگر او نجا رو بزن چی میشه؟

[نمايش وideo](#)

معین z یا معین این وَر آبی _ اون وَر آبی

معین z یا معین این وَر آبی _ اون وَر آبی عبور از فیلتر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اخذ مجوز برای خوانندگان راهی سخت و دشوار بنظر میرسد زیرا این مجوز به معنی معرفی "الگویی جدید" در جامعه اسلامی خواهد بود.

این مجوز خطوطی را خط کشی خواهد کرد که قرار است در جریان هویت یابی به فشری از بدنه‌ی جامعه تغذیه‌ی فکری، پوششی، انگلیزشی، عاطفی، فرهنگی، شان و منزلت ... برساند یا به عبارت بهتر سبدِ الگوی مصرف فرهنگی جامعه خواهد بود و می‌باشد امضا محاکم سندِ سلامت هویت ایرانی-اسلامی باشد و همچنین تفکیک و شناسایی کند حد و حدود الگوها و ضد الگوها را

شاپیسته است مد نظر داشته باشیم تهاجم فرهنگی از درون جامعه آغاز می‌شود و شکل و شمایل مصرف کنندگان را تغییر می‌دهد، مگر الگو پذیری؛ فرایند پیروی از یک مدل عینی و راهنمای عمل در رفتار و کردار نیست... یا این تعریف تغییر کرده است یا مد نظر مسؤولین نیست آیا مسؤولین ذی ربط نمیدانند با این مجوز "پل عاطفی" عمیقی بین خوانندگان و هوادارانشان ایجاد می‌شود و هر آنچه را که خواننده انجام دهد بازتابی در جامعه خواهد داشت.

استوری نیم ساعته یک خواننده همان طور که میلیون‌ها تومان پول جمع می‌کند همانطور هم بستر نا آرامی و ... را نیز فراهم خواهد کرد.

این مقاله به منظور تایید خواننده خاصی نیست اما نیاز به یک مقایسه میدانی می‌تواند کمک کننده باشد.

معین زد خواننده پاپ نسل جوان با تیپ و استایلی جنجالی در کانادا رو استیچ می‌رود البته لازم به ذکر نیست که مجوز رسمی از وزارت خانه مربوطه دارد و مروج تمام کمال ضد الگوها و تهاجم فرهنگی می‌شود در حالیکه معین خواننده بقول معروف "اون وَر آبی" که زندگی بی حاشیه‌ی هنری و شخصی دارد همیشه با استایلی مردانه و رسمی و موجه ظاهر شده است می‌شود مصدق ضد فرهنگ و با برچسب اون ور آبی مجوز برگزاری کنسرت داخلی ندارد.

علی‌ایحال در هر دو مورد مثالی مسؤولین فرهنگی ما پاسخ مناسبی به هوادارن نمی‌دهند.

و در آخر شما کدام "معین" را برای الگو پذیری فرزندتان مناسب می‌بینید؟

پرستو مروجی

انتخابات ریاست جمهوری مخبر

با فروکش کردن فضای احساسی، فضای سیاسی ایران چگونه پیش خواهد رفت؟

کشور بطور ناگهانی با شهادت رئیس جمهور رئیسی با جو انتخاباتی مواجه شد هر چند ایران بی تجربه در این زمینه نیست در سال ۶۰ رمانیکه بنی صدر از ریاست جمهوری عزل شد، نخست وزیر وقت شهید رجایی در انتخابات پیروز میدان شد و اکنون آقای مخبر جانشین قانونی رئیس جمهور است.

اگر #مخبر وارد میدان رقابت شود ۲ حالت سخت افزاری ایجاد می‌شود هم باید رقابت کند و هم به امور اجرایی کشور در زمینه انتخابات رسیدگی کند.

در انتخابات مهمترین وظیفه او؛ ایجاد همبستگی دولت فعلی و تلاش برای انتخاب یک شخص اصلاح از قلب کابینه بعنوان کاندیدای مورد حمایت دولت سیزدهم است.

مخبر چه خواهد کرد؟

آیا نقش کاتالیزور را بازی خواهد کرد تا جریانی که از دولت سیزدهم جاری شده است را رهبری و مدیریت کند؟ یا شخصاً پا به عرصه

ی رقابت می‌گذارد و تمامی توان دولت ۱۳ هم را برای حمایت از خودش خود نوعی صرف خواهد کرد؟ (توضیح: حمایت از خودش به معنای خودخواهی و رسیدن به قدرت نیست به معنای وفاق و وحدت در کابینه رئیسی است ...)

بنظر بندۀ اگر مخبر شخصی توانمند و اثربار باشد می‌باشد این توانمندی مدیریتی خود را قبل از ورود به انتخابات نشان دهد تا برای رسیدن به آراء تمام کننده، کابینه را سروسامان دهد تا با رسیدن به اجماع کلی از یک شخصیت حمایت کنند خواه مخبر باشد یا نباشد ... مهم وفاق و وحدت کلی دولت ۱۳ هم است.

اگر به چنین نتیجه‌ای نرسند آراء خرد خواهد شد و جریان دولت ۱۳ هم بی‌اثر به پایان خواهد رسید.

*هرچند آقای مخبر را به این دلیل که معاون اول رئیس جمهور بودند بعنوان نماینده محور اصلی قلمداد کردیم.

پرستو مروجی

برنامه‌ی پروژه نویسان برانداز- فردای پیروزی خیالی

اپوزیسیون و براندازی در جمهوری اسلامی را نمی‌شود در حد و اندازه یک "ژست انقلابی" تعریف کرد زیرا نمی‌شود هیچ رابطه‌ی معنا داری بین رفتارها یشان و ساختارهای واقعی موجود در جامعه پیدا کرد. برای ایجاد یک بستر انقلابی ادواتی لازم و شرط است که در جهت تضعیف ساختارهای یک حکومت پیش‌رود. هر اقدامی نیازمند ریل گذاری های اولیه است تا در قامت اعتراض و بعد شورش و در نهایت منجر به پیروزی نهایی شود.

کدام انقلاب در جهان با اذهان متوجه و آلوده به انواع فسادهای اخلاقی و... به نتیجه رسیده است که براندازان جمهوری اسلامی با عربیان کردن اندام‌های خصوصی‌شان در فکر نتیجه گرفتن هستند.

بطور کلی نگاهی به اعتراف دستگیر شدگان بیاندازید، هیچ کدامشان حتی وجود دفاع از رفتار خودشان را ندارند و خود را "فریب خورده

، هیجانی " آنهم در فضای مجازی معرفی میکنند . رفتارشان فقط و فقط کارکرد رسانه ای دارد که خروجی آن چیزی جز تیترهای زرد و دهن پر کن غرب نیست .

در بدترین حالت ممکن در حوزه سیاست و علوم سیاسی حتی نمیشود اینها را "نهضت / جنبش" خواند چرا که هر نهضتی احتمال منتهی شدن به انقلاب را دارد . نهضت ها ، پلتفرم و قوانینی دارد که *اندام نمایی* و ... در آن جایگاهی ندارد .

چه دلایلی میتوان تعریف کرد که اپوزیسیون هایی مثل؛ منافقین ، سلطنت طلبان ، تجزیه طلبان ، ... رهبر واحدی ندارند؟

گروهک هایی که از عهده‌ی مدیریت انسانی ، جریان فکری ، منابع مالی ... خودشان عاجزند و کارکردی جز تولید رفتارهای تخریب گرانه‌ی مجازی و قتل و غارت ندارند ، چطور میخواهند جریان براندازی شان را سازماندهی کنند!

مهم واقعه ذاتی آنهاست که ناتوان از اداره امورات تشکیلاتی خود هستند .

بیایید فرض محال بگیریم براندازی آنها نتیجه داد ! فردای پیروزی آنها چه رنگی است؟

بنظر حقیر در صورت رخدادن این مسئله ، رنگ فردای پیروزی شان ، سخ برنگ خونهای خودشان است چرا که آمریکا و جیره خوارانش محال است برای این فردای خیالی ، جایگاهی جز قبرستان برایشان تعریف کرده باشند...

بدنه‌ی جامعه بدون آسیب باید بماند تا بازوهای کارگری ، استعمارگران باشند و این جامعه دیگر نیازی به مسیح علینژاد ، مریم رجوی ، کومله ، داعش و ... ندارد .

این دقیقا برنامه اصلی پروژه نویسان براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران است .

حذف فیزیکی هر شخص و جماعتی که با آنها طی این چهل سال ارتباط داشتند تا دستهای پنهان همچنان پنهان بماند .

پرستو مروجی

زندان اوین

ماجرای زندان اوین بدون تردید یکی از پازل های طراحی شده اتاق فکر عاملان این اغتشاشات بود.

چرا اوین یکی از لوکیشن های این پازل بود؟
بدلیل نگهداری زندانیان سیاسی و بند امنیتی که خوراک عالی برای رسانه های غربی و براندارن است.^۱

بی شک بستر سازی این سناریو از قبل کلید خورده بود و تیتر شبکه های اجتماعی اینچنین بود که : بسیاری از بازداشت شدگان را به اوین منتقل کردند..

آمادگی کامل برای موج خبری داشتند تا تیتر دوم را ترند کنند : حذف برخی زندانیان سیاسی توسط نظام آماده و مسلح طبق روایات متعدد که البته روز قبل هم محسن هاشمی نوردیده ی مرحوم هاشمی و خانم عفت مرعشی به مرخصی رفت و نشون داد جاسوس دو جانبی هم از توبه خورده هم از آخر و همه چیز مهیا ترور نافرجم و شانتاز خبری.^۲

دشمن همون دشمن با همون و برنامه و سناریو که از اجرای آن دست بردار هم نیست.

رفتار و اعمالشان هرگز در پیچ های تاریخ سرزمینیم گم نخواهد شد ، جنایاتی که بدون در نظر گرفتن هیچ اخلاق و اصول انسانی در حق مردم ایران انجام دادند.

سال ۱۳۶۰ دقیقا این عملیات را در اوین پیاده کردند
و اما ماجرا چیست؟

۸ تیر ۶۰ یعنی ۱ روز بعد از انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی توسط گروهک تروریستی مجاهدین خلق با برنامه قبلى توسط کاظم افجه ای و برخی را بطین منافقین در زندان اوین و محمد رضا سعادتی شیرازی اقدام به ترور اعضای هیئت دادستانی آیت الله محمدی گیلانی و سید اسدالله لاجوردی میکنند... که با اقدام به موقع شهید کجویی رئیس زندان وقت اوین پروژه ناکام می ماند و ایشان به شهادت رسیدند. از اوایل انقلاب اسلامی از اهمیت زندان اوین تا به امروز کاسته نشده است زیرا بستر مناسبی برای دامن زدن به هر ناامنی و هرج و مرج است.

تاریخ تکرار میشود...

(۱) بند ۷ اوین بنام اندرزگاه ۷ بند ارازل و او باش میباشد و با بند ۸ که بند مخصوص زندانیان سیاسی است حدود ۲۰ متر فاصله دارد پشت ساختمان اندرزگاه ۷، بند امنیتی ۲۴۰ است.

(۲) رجوع شود به مقاله "پروژه زندان اوین

مدارس؛ خانه دوم - چرایی رفتارشناسی دانش آموزان در اغتشاشات ۱۴۰۱

همسر مهربان، [۱۲:۵۵ ۰۷.۱۰.۲۲]
مدارس، خونه دوم ...
پرسنل پرستو مروجی

دو رویداد مهم تاریخی، در جهان اسلام محل اندیشه و عبرت است. هر دو پروژه ای سنگین که برای اجرایی شدن زمان طولانی و با برنامه مستمر صورت گرفت.

یک: پروژه آندلس که بندۀ آنرا اینطور تعریف می‌کنم:
اسلام یعنی آغاز "تمدن سازی"
و هر جا تمدن اسلامی در حال شکل گیری بود و هست غرب برنامه مدون و ابزاری از پیش تعیین شده داشت و دارد که مهترین آن "تهاجم فرهنگی" و رخنه در تار و پود جامعه مسلمانان بود و هست.
شهید مطهری عامل سقوط آندلس را (فساد، تباہی فکری، شهوت، ...) می‌دانستند پس می‌شود گفت: یک رشته عوامل فساد درونی و از هم گسیختگی فرهنگی زمینه های سقوط یک تمدن را ایجاد می‌کند. که دو حالت بیشتر ندارد یا با زور و جنگ مثل آندلس و نیجریه یا جنگ نرم و بی سر و صدا مثل امارات متحده عربی که بدون جنگ و خونریزی آندلسیزه شد.
ایران هم بعد از انقلاب اسلامی در دستور کار غرب قرار گرفت.

□ دو : اسلام ترکیه ای که نیاز به توضیح آنچنانی ندارد . برنامه ای که غرب برای ایران و ترکیه چیده بود عادی سازی در همه ابعاد جامعه، که مصدق امروزی آن ؛ دلت پاک باشه خدا به نماز ما احتیاج نداره

برنامه اسلام ایرانی و ترکیه ای که رضا خان ناتوان در اجرا یش شد اما آتا تورک موفق عمل کرد.

اینها مقدماتی بود برای اصل مقاله تا بگوییم : دانش آموزان بخصوص در دهه اخیر در دستور کار آندلسیزه کردن ایران قرار گرفته اند. با اجرای سند بیست سی ۲۰۳۰ شاهد تخریب ریزساخت های فرهنگی در قشر نوجوانان بودیم...

ورود آهنگ های ساسی مانکن و خوندن گروهی (آقا مون جنتلمنه...) و برخورد شدید رسانه های غربی با سلام فرمانده

نوجوانانی که بخاطر شرایط سنی شون شناختی از خودشون و جامعه ندارند را وارد بازی کثیف سیاست کرده اند و با پمپاژ هیجان و احساسات کاذب زندگی آنها را به خودکشی فحشا ناهنجاری میکشند. این بجه ها محصول والدینی هستند که ده سال قبل تحت عملیات روانی رسانه ای دچار واژدگی مذهبی شده اند و نظارت غیر مستقیم و کنار بچه هاشون بودن و گرم کردن کانون خانواده را جایگزین قلیان کشیدن و سگ بازی و عضو گروه های تلگرامی... کردند و در نهایت وزیر آموزش و پرورش میباشد دست بجماند و با تصویب قوانین ایجابی و سلبی برای مدارس ، قطع ید کند تا دشمنان کمتر با روح و روان و زندگی این دلبندان پاک سرشت سرزمهین مان بازی کنند.

محاکمه تاجزاده

<http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2022/07/film02.mp4>

ارتش سا یبری منا فقین

<http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2022/07/film-01.mp4>

قانون سقط جنین در آمریکا

من / حق من

#پرستو_مروجی

دیوان عالی آمریکا بعد از پنجاه سال قانون ممنوعیت سقط جنین را لغو کرد و وضعیت را به قبل بازگرداند.

طوری که دولت آمریکا با اعتراضات گسترده ای مواجه شده است. چند دستگی و منسجم نبودن گروه های شرکت کننده در تظاهرات مانع اساسی در تصمیمات خیابانی است.

کاتولیک ها که سالهاست از فعالان ضد سقط جنین هستند با نگاهی دینی و رحمانی از این قانون حمایت میکنند.

حامیان حقوق کودک هم جانی تازه گرفته و از کیان انسان هایی که از حق حیات محروم میشوند دفاع میکنند.

بنظر مدرس ما بقی تماماً مخالفانی هستند که تظاهرات خیابانی را پوشش میدهند.

در جامعه ای مثل آمریکا هر دو گروه ، منفعت طلبانی اند که از هر گونه اعتراض سود میجویند.

اما معتبرین حقیقی چه کسانی اند؟ عموماً زنان سیاه پوست که جز قشر ضعیف و بی پناه جامعه تعریف میشوند که به سقط جنین ناچارند این گروه تنها واقعیت تظاهرات خیابانی هستند که تنها قربانیان تجاوز ، رابطه غیر متعارف ، خارج از چارچوب میباشند ، اینها در کنار بزرگترین قاچاق چیان جنسی قرار گرفته اند تا از قدری و زور آنها ، چیزی نصیباشان شود.

تصویب قانون سقط جنین را از دو منظر بررسی میکنم :
یک : گروه عوام که نگران جیب و روابط شخصی شان هستند که

کارشناسان جامعه شناسی آمریکا بیش بینی کرده اند در آینده ممکن است قوانین بر علیه « دگرباشان» جنسی تصویب شود . و نگرانی حامیان « حق انتخاب » آنها را به کف خیابان ها کشانده است. دو ؛ این قانون صرفا یک تصمیم سیاسی است نه در چارچوب مسائل حقوقی

دعواهای سیاسی بین دو جناح دموکرات ها که نتیجه انتخابات به نفع آنها رقم خورد و « بایدن» خسته از سیاست را بر روی کرسی ریاست اجباراً نشاند.

و جناح جمهوری خواه که برگ برنده آنها ، « ترامپ» شکست خورده است. اکنون جامعه آمریکا عملاً دچار گروگانگیری حزبی است همه این تظاهرات ، سر و صداها ، تنش های خیابانی... پوسته طاهری است که توسط جمهوری خواهان راه افتاد تا با شانتاز کردن مردم عالمی با شعار « تن من / حق من » دموکرات ها را عقیم کنند. در حوزه سیاست ، حذف رقیب تازگی ندارد و تنها قربانیان اصلی مردمی هستند که ناخواسته وارد دعواهای سیاسی میشوند ، بی مزد و توقع پادوهای کله گندها میشوند اما سودی عایدشان نمیشود هیچ ... مجرم هم شناخته می شوند